

حق دسترسی به اینترنت در نظام حقوقی بین المللی و حقوق بشر

سید محمدرضا قاسم تبار^۱

^۱ دکتری حقوق بین الملل و رئیس شبکه ماهواره ای و بین المللی الثقلمین ، تهران، ایران

چکیده. دسترسی افراد به اینترنت به دلیل پیوند وثیقی که با تحقق حقوق و آزادی‌های افراد و تأمین منافع و نیازهای آنها پیدا نموده است و به عنوان موضوعات مهم در حوزه حقوق ارتباطات تبدیل گردیده است. یکی از موضوعات روز در سطح بین المللی و ملی، دسترسی افراد به اینترنت می‌باشد که از روایای مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این زمینه مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه ی غیر الزام آوری در سال ۲۰۱۶ در رابطه با « ارتقاء حمایت و برخورداری از حقوق بشر» را تصویب نمود. این قطعنامه اهمیت اینترنت را به رسمیت شناخته است و هم چنین بر حمایت از حق مردم برای دسترسی به اینترنت متمرکز شده است. با توجه به گسترش اهمیت این فن آوری در وضعیت کنونی، این پرسش مهم مطرح می‌گردد که چگونه می‌توان در نظام بین المللی حق دسترسی به اینترنت را به عنوان یک حق بشری مطرح نمود؟ در پژوهش حاضر، با بررسی و تحلیل بر اعلامیه جهانی حقوق بشر به سوال فوق پاسخ خواهیم داد. و همچنین به شیوه توصیفی-تحلیلی مورد پژوهش قرار می‌هیم.

کلیدواژه‌ها: حق دسترسی به اینترنت، حقوق بشر، نظام حقوقی بین المللی، حقوق مردم.

The Right of Access to the Internet in International Law and Human Rights

Seyed Mohammad Reza Ghasem Tabar ¹

1 PhD in International Law; President of Al-Thaqalayn International Satellite Network, Tehran, Iran

Abstract

Individuals' access to the Internet has become a central issue in the field of communications law due to its close connection with the realization of human rights and fundamental freedoms, as well as its role in fulfilling social needs and interests. Today, at both the international and national levels, Internet access is widely discussed from cultural, social, economic, legal, and political perspectives. In this context, the United Nations General Assembly adopted a non-binding resolution in 2016 titled "The promotion, protection and enjoyment of human rights on the Internet." This resolution acknowledges the importance of the Internet and emphasizes the protection of individuals' right to access it. Given the increasing importance of this technology in contemporary society, a crucial question arises: How can the right to Internet access be conceptualized as a human right within the international legal system? This research seeks to answer that question through an examination and analytical interpretation of the Universal Declaration of Human Rights (UDHR). Employing a descriptive-analytical method, the study explores how existing human rights frameworks support the recognition of Internet access as a fundamental right necessary for the exercise of other basic freedoms.

Keywords: right of access to the Internet, human rights, international legal system, people's rights.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
چاپ شده

در سطح بین المللی حقوق بشر طیف وسیعی از حقوق مدنی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در بر می گیرد. حقوق بشر یا حقوق اساسی بشر، مجموعه امتیازاتی می باشد که با توجه به مقام و شان انسان تشکیل شده است. فلسفه حقوق بشر، اعتلای منزلت این حقوق می باشد تا با رعایت کردن موازین آن ها در سراسر جهان، همه افراد به صورت یک سان از این امتیازات بهره مند شوند. امروزه، اکثر اطلاعات به صورت دیجیتال گسترش و پیشرفت داشته اند و فناوری های ارتباطی همچون تلفن های همراه هوشمند و هم چنین دسترسی آزاد به اینترنت، بخشی از زندگی روزمره، بهداشت و خدمات مالی، تجارت، سرگرمی، آموزش و... در بر می گیرد. و در پایان جوامع معاصر به طور روزافزونی در مسیر مبدل شدن به یک جامعه شفاف حرکت می نمایند. (انصاری، ۱۳۸۶).

داده ها و اطلاعات، در بستر جدید فن آوری ارتباطات و اطلاعات، یکی از اصلی ترین و مهم ترین عوامل پیشرفت و توسعه محسوب می گردند. میزان اطلاعات و مرغوبیت آن ها در عصری که براساس اطلاعات می باشد نشان دهنده ی جایگاه ملت ها است. بر این اساس یکی از مهم ترین عوامل تنش بین المللی و ملی، شکاف طبقاتی بین دارندگان و نداشتندگان اطلاعات می باشد.

ظهور اینترنت به عنوان یک فن آوری جهانی ارتباطات، همراه با کوشش هایی که برای گسترش و حمایت بسیاری از حقوق بشری شناخته شده می باشد. برای حقوق بشر اهمیت اینترنت تا جایی می باشد که برخی از کارشناسان به دنبال پاسخ این سوال هستند که چگونه حق دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بشری مطرح می گردد؟ در پژوهش حاضر، ضمن بررسی و تحلیل اعلامیه جهانی حقوق بشر، به چالش و خلاء های موجود در حق دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بشری پرداخته می شود.

اهمیت آزادی اینترنت

اینترنت یکی از «قدرتمندترین ابزار قرن ۲۱ برای افزایش شفافیت در سلوک و رفتار افراد، دسترسی به اطلاعات و برای تسهیل مشارکت فعال شهروندان در دموکراتیزه کردن جوامع است.» (دربیگی، ۱۳۷۹). ایجاد یک جامعه فراگیر مستلزم اطلاعاتی می باشد و قابلیت جهانی برای دسترسی به اطلاعات، ایده ها و دانشی است تا شهروندان قادر به مشارکت در بحث راجع به امور عمومی باشند و نقش فعال در فرایند تصمیم گیری داشته باشند. درواقع اینترنت ارائه دهنده یک فرصت جدید برای سیاست های توسعه در خصوص شفافیت و انتشار اطلاعات و ایده ها در تمامی ابعاد زندگی بشر می باشد. امروزه برخی از دولت ها اعلام کرده اند که دسترسی به اینترنت یک حق بشری می باشد درحالی که برخی دیگر به سادگی این مسئله را نادیده گرفته اند و هیچ سیاستی را در این زمینه اتخاذ ننموده اند. بنابراین هرگونه اختلاف نظر درخصوص موضوع حق دسترسی به اینترنت می تواند باعث ایجاد اختلافات شدید بین المللی گردد. رفع این ناهمگونی می تواند از طریق یک چارچوب قانونی و حقوقی بدست بیاید که قادر می باشد تا این مشکلات مختلف و متعدد را بررسی و مورد رسیدگی قرار دهد.

چارچوب حقوقی مرتبط با اینترنت

تاکنون، هیچ چارچوب حقوقی در شکل یک کنوانسیون، قطعنامه یا اعلامیه وجود ندارد که صراحتاً اعلام کند دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بشری می‌باشد. درعین حال، گفته می‌شود که دسترسی به اینترنت به دلیل ارزش‌ها و ماهیت‌هایی که ترویج می‌دهد، به خودی خود یک حق بشری است. حامیان و مدافعان این حق، به ماده ۱۹(۲) میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی مدنی (۱۹۶۶) استناد می‌کنند، استدلالی که ارائه دهنده موارد ذیل می‌باشد: «هرکسی از حق آزادی بیان برخوردار است؛ این حق باید شامل آزادی جستجو، دریافت و بیان و انتقال اطلاعات و ایده‌ها در تمامی انواع صرف نظر از مرزها یا به صورت شفاهی، کتبی یا چاپی و در شکل هنر یا از طریق رسانه‌ها باشد.» ماده ۱۹(۲) حق دسترسی به اینترنت را وعده نمی‌دهد، لیکن صریحاً حمایت از فناوری مورد استفاده برای برقراری ارتباط و دسترسی به اطلاعات را ترویج می‌کند و برای دولت‌ها در محدود کردن دسترسی به ارتباطات، محدودیت ایجاد می‌نماید.

فرانک لارو در این زمینه استدلال می‌کند که ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و همتای آن در میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی مدنی برای شامل شدن و همساز شدن با تحولات تکنولوژیک در آینده، پیش‌بینی شده‌اند. وی در این زمینه به این نتیجه رسیده است که ماده ۱۹ برای فناوری‌های جدید ارتباطی همچون اینترنت نیز کاربرد دارد (La Rue, ۲۰۱۱). علاوه بر این، تفسیر سازمان ملل از ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی مدنی استدلال می‌نماید که آزادی عقیده و بیان، شرایط ضروری برای پیشرفت کامل فرد به شمار می‌آید. در ادامه‌ی این اظهارات بیان شده است که آزادی بیان برای شفافیت و پاسخگویی دولت و همچنین ارتقا و محافظت از حقوق بشر حائز اهمیت هستند (UNESCO, ۲۰۱۱).

در اروپا ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) و همچنین ماده ۱۱ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا مورد توجه قرار گرفته است. این مواد تأکید دارند که آزادی عقیده، انتقال و دریافت اطلاعات بایستی بدون هیچ محدودیت و دخالتی محترم شمرده گردد. عده‌ای از حقوق‌دانان مدعی هستند از آنجا که حقوق عرفی به محافظت گسترده از ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اقدام نموده، اینترنت نیز در حوزه آن قرار می‌گیرد (رضایی، ۱۳۹۹). دادگاه اروپایی حقوق بشر با تجزیه و تحلیل نقش مطبوعات در یک جامعه دموکراتیک، بیان می‌دارد که: «اگرچه این اصول در درجه اول باتوجه به رسانه‌های چاپی تدوین شده بودند، بدون شک برای رسانه‌های سمعی بصری نیز قابلیت اعمال دارند.» (ECtHR, ۱۹۹۴).

بررسی چگونگی حق دسترسی به اینترنت به عنوان حق بشری

دسترسی به اینترنت و استفاده از آن در سطح بین‌المللی (اعم از منابع الزام آور و غیر الزام آور حقوق بین‌الملل)، برای پیگیری اهداف مختلف فردی و اجتماعی و هم‌چنین زندگی توأم با کرامت بشری قلمداد گردیده است. بر این

اساس ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۵ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی به عنوان مهم ترین معاهداتی که متضمن حق دسترسی اینترنت می باشند. هم چنین دیوان اروپایی حقوق بشر و گزارش های گزارشگران حقوق بشر، برای توجیه این مسئله مورد استناد و تحلیل و تفسیر قرار می گیرند که در ادامه ی مباحث آن ها اشاره خواهیم کرد.

در این میان گزارشگران حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر، به دو اعتبار حق دسترسی به اینترنت را مستحق برخورداری از حمایت های نظام بین المللی حقوق بشر در نظر گرفته اند. یک اعتبار، آن را عنصری از عناصر آزادی بیان می دارند و به اعتبار دیگر، آن را ابزاری برای اعمال و اجرای سایر حقوق بشر شناخته اند و بیان داشته اند که دسترسی به اینترنت در بطن حقوق دیگری همانند آزادی مذهب، حق آموزش، حق بر سلامتی، حق کار، رهایی از تبعیض، حق بر تفریح، حق بر مشارکت در زندگی اجتماعی و حق توسعه قرارداد و جزئی از آن ها می باشد.

حق آزادی بیان

گزارشگر ویژه آزادی بیان (شورای حقوق بشر)، اینترنت، را وسیله ای می داند که حق آزادی بیان از طریق آن اعمال می گردد که بر همین اساس، حق دسترسی به اینترنت، به عنوان یکی از حقوق مشتق و فرعی، مشمول حمایت های مقرر برای آزادی بیان می گردد. در این باره ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می کند: «هر کسی حق آزادی نظر و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که در داشتن نظرات و در جست و جو، دریافت و اشاعه اطلاعات و اندیشه ها، با هر وسیله و صرف نظر از مرزها، آزاد باشد». هم چنین بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح می دارد: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی جست و جو، دریافت و اشاعه اطلاعات و اندیشه ها از هر قبیل بدون توجه به مرزها خواه شفاهاً یا به صورت مکتوب یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگری به انتخاب خود می باشد». در این مسئله گزارشگر ویژه متذکر می گردد که اینترنت، شبیه هیچ یک از ابزارهای ارتباطی دیگر نمی باشد. این ابزار، تأثیرات چشمگیری بر روزنامه نگاری و دسترسی به اندیشه ها و اطلاعات دارد.

دیوان اروپایی حقوق بشر اعلام داشته است: «حق دسترسی به اینترنت از حق دسترسی به اطلاعات و ارتباطات که در بسیاری از قوانین اساسی حمایت شده است تفکیک ناپذیر است و حق هر فرد به مشارکت در جامعه اطلاعاتی و الزام دولت ها به تضمین دسترسی به اینترنت برای شهروندان شان را در بر می گیرد. در نتیجه، از مجموع تضمین هایی که در مورد آزادی بیان وجود دارد می توان برداشت کرد که دسترسی بدون مانع به اینترنت نیز باید به عنوان حق شناخته شود». هم چنین کمیسیون های آمریکایی حقوق بشر نیز حق دسترسی به اینترنت را از عناصر آزادی بیان و آزادی اطلاعات می داند و مشمول حمایت های ماده ۱۳ کنوانسیون - آمریکایی حقوق بشر در نظر داشته اند.

جان استورت میل در کتاب «رساله درباره آزادی، آزادی بیان را از مصادیق مهم آزادی انسان‌ها و در واقع اولین قلمرو از سه قلمرو اصلی آزادی یعنی آزادی عقیده، آزادی وجدان و آزادی فکر و اندیشه بیان می‌کند. از نظر وی، آزادی بیان و اندیشه، آزادی انتشار عقاید و آزادی گفتار، نوشتار و نگارش آنچنان مقدس می‌باشد که اگر همه انسان‌ها یکسان بیاندیشند و تنها یک نفر با نظر همه مخالف باشد، کار عموم در خاموش کردن اجباری آن یک نفر به همان اندازه نارواست که اگر او قدرت داشت و نوع بشر را به زور خاموش می‌کرد» (جان استورت میل، ۱۳۶۴). بنابراین، با توجه به مطالب فوق الذکر، می‌توان این گونه بیان داشت که حق دسترسی به اینترنت در زمره حقوق بشری می‌باشد و از حمایت‌های نظام بین‌المللی حقوق بشر برخوردار می‌گردد.

نمونه‌هایی از گزارش‌های مربوط به آزادی بیان می‌توان بیان داشت: «در گزارش ماه می ۲۰۱۱، گزارشگر ویژه موضوعاتی مانند فیلترینگ و خاموشی اینترنت را مطرح نمود. در این گزارش تأکید شده است که با توجه به اهمیت اینترنت برای حقوق بشر، تسهیل دسترسی به اینترنت برای همه افراد، با کم‌ترین محدودیت ممکن در محتوای بر خط، باید در اولویت همه کشورها باشد». هم‌چنین در قطعنامه شورای حقوق بشر در ژوئن ۲۰۱۲، از کشورها درخواست شده است: «دسترسی به اینترنت و همکاری‌های بین‌المللی با هدف توسعه رسانه‌ها و امکانات ارتباطی و اطلاعاتی در همه کشورها را ترویج و تسهیل کنند».

در گزارشات می و اگوست ۲۰۱۱، لارو این گونه استدلال می‌کند: «هرکسی حق بر آزادی بیان از طریق هر نوع رسانه‌ی انتخابی، بدون در نظر گرفتن مرزها، را دارد. ماده ۱۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با این دور اندیشی تهیه گردیدند که با پیشرفت فن‌آوری در آینده مطابقت داشته و اشکال جدید فن‌آوری که اشخاص ممکن است از آن استفاده نمایند را شامل گردد».

دسترسی به اینترنت در حقوق دیگر

بسیاری از گزارشگران حقوق بشر دسترسی به اینترنت را در بطن حقوق دیگری بیان داشته‌اند از جمله حق بر تفریح، حق بر آموزش، حق بر اشتغال و....، که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم و مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

حق آموزش

«حق بر آموزش شامل فراگیری معلومات از طریق آموزش و پرورش ابتدایی، عمومی و تخصص‌های عملی از طریق آموزش کاربردی، نظیر آموزش فنی و حرفه‌ای می‌باشد» (هاشمی، ۱۳۸۴). البته در جهان امروز، مهارت‌هایی نیاز است که انتقال آن‌ها به فرزندان از طریق امکان‌پذیر نیست و این امر ضرورت تأکید بر این حق را دارد. در بند ج ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان شده است: «آموزش و پرورش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی به ویژه به وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش رایگان به تساوی کامل بر اساس استعداد هر کس در دسترس عموم قرار گیرد» (مهرپور، ۱۳۸۷). این مفاهیم و مضامین ذکر شده در مواد یک و چهار کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ یونسکو نیز مورد تصریح قرار گرفته است.

برخی از تعبیر آزادی آموزش و پرورش بر معنای دیگری حمل نموده اند. در این تعریف ذکر شده است که: «افراد باید بتوانند با تأسیس مدارس خاص، آموزش‌ها و شیوه تربیتی خود را که نیاز می‌دانند به فرزندان خود و حتی دیگران منتقل کنند و بالتبع در این راه دولت نیز باید کمترین محدودیت‌ها را لحاظ نمایند».

بنابراین، بهره‌گیری از فن آوری ارتباطات و اطلاعات به عنوان مهم‌ترین عنصر تعامل با جامعه جهانی، تبادل تجربه‌ها، آگاهی پیدا کردن نسبت به محیط زیست، پیشرو بودن در فن آوری و گسترش رفاه عمومی مورد تأکید است. در حال حاضر، اهمیت انقلاب اطلاعات در همگرایی ارتباطات، رایانه و فن آوری‌های سمعی و بصری و رشد چشمگیر توان داده‌پردازی می‌باشد. شایان ذکر است که آموزش یکی از عوامل کلیدی توسعه و رشد ملی می‌باشد و دیگر به عوامل جغرافیایی محدود نمی‌گردد. امروزه سازمان‌ها و دولت‌های غیر دولتی در صددند تا با ترویج اتصال مدارس به اینترنت امکان دستیابی به آموزش‌های اولیه برای دانش آموزان فراهم نمایند.

برخی از تعبیر آزادی آموزش و پرورش بر معنای دیگری حمل نموده اند. در این تعریف ذکر شده است که: «افراد باید بتوانند با تأسیس مدارس خاص، آموزش‌ها و شیوه تربیتی خود را که نیاز می‌دانند به فرزندان خود و حتی دیگران منتقل کنند و بالتبع در این راه دولت نیز باید کمترین محدودیت‌ها را لحاظ نمایند» (توحیدی، ۱۳۸۵).

حق اشتغال

در اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق اشتغال مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده است: «هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب کند، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد». هم چنین ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است: «کشورهای طرف این میثاق حق کار کردن را که شامل حق هر کس است به اینکه فرصت یابد به وسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌کند، معاش خود را تأمین کند به رسمیت می‌شناسند و اقدامات مقتضی را برای حفظ این حق معمول خواهند داشت. اقداماتی که کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین اعمال کامل این حق به عمل خواهند آورد باید شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه‌ای و طرح برنامه‌ها و خط مشی‌ها و تدابیر فنی باشد که از لوازم تأمین توسعه مداوم اقتصادی - اجتماعی و اشتغال تام و مولد است تحت شرایطی که آزادی‌های اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ کند».

به طور کلی، براساس معاهدات و عهدنامه‌ها حق اشتغال از تکالیف دولت محسوب می‌گردد و دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. که در این زمینه اینترنت می‌تواند دسترسی به خدمات و کالا، فرصت‌های جدید، توانایی برای جمع شدن در کنار یک‌دیگر و هم چنین عضویت در سازمان‌های مختلف را بهره‌مند سازد.

حق دسترسی به دادرسی منصفانه

یکی از مولفه‌های مهم دولت قانون مدار دسترسی همگانی به دادگاه می‌باشد که به عنوان یکی از ارکان دادگستری شایسته محسوب می‌گردد. بر همین اساس اصل سی و چهارم قانون اساسی بیان می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون همه حق مراجعه به آن را دارند، منع کرد».

در اسناد بین المللی نیز این مسئله مورد تاکید واقع شده است و یکی از حقوق بشری می‌باشد: قسمت اول از بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود». طبق بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هر کس حق دارد که به دادخواهی او منصفانه و علنی در دادگاهی صالح که مستقل و بی طرف تشکیل شده، طبق قانون رسیدگی شود». در بند ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است: «هر کس حق دارد به این که دعوای او به نحو منصفانه، به طور علنی و در مهلت معقول، به وسیله دادگاه مستقل و بی طرف که به موجب قانون تأسیس شده، استماع شود». و هم چنین طبق بند ب ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر: «مراجعه و پناه بردن به دادگاه، حقی است که برای همه تضمین شده است». به طور کلی، دستگاه قضایی به عنوان یکی از سه قوه محرکه هر کشوری، مخاطبانی دارد که از آن‌ها انتظاراتی برای برآورده نمودن نیازهای خود دارا می‌باشند.

به طور کلی، وجود دادرسی منصفانه دارای عناصر ذیل می‌باشد:

- حق دسترسی به دادگاه

- حق علنی بودن رسیدگی

- رعایت مهلت منطقی رسیدگی

- تضمین حقوق دفاعی

- اصل استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی

بنابراین، براساس مواد فوق الذکر می‌توان بیان داشت که دادرسی باید به طور منصفانه و عادلانه جریان پیدا کند تا مردم بتوانند اختلافات خود را بی طرفانه و براساس قوانین موجود حل و فصل کنند.

چالش‌ها و خلاءهای تحقق حق دسترسی به اینترنت

با فن آوری‌های ارتباطات و اطلاعات تغییر و دگرگونی در جوامع قطعی می‌باشد. این تغییرات و دگرگونی‌ها متأثر از فن آوری‌های اطلاعات و ارتباطات است. اینترنت محدود به شماری از کاربرها است که می‌توانند از آن بهره مند گردند. در صورتی اینترنت می‌تواند یک ابزار عمومی واقعی برای حقوق بشر باشد که هم بی طرفانه و هم قابل دسترسی باشد. به بیان دیگر وقتی که ما از حق دسترسی به اینترنت سخن می‌گوییم، این حق به معنای داشتن امتیاز

قانونی، یک سری حقوق را در بر می گیرد و به همین دلیل در برابر این حق، تکالیفی وجود دارد. شاید به سختی بتوان تمدنی را یاد کرد که در برابر آزادی ها و حقوق، مسئولیت هایی را به رسمیت نشناخته است؛ بنابراین در برابر شناسایی این حق، تکالیفی بر دولت ها و نهادها در قبال شهروندان مقرر می گردد.

در این باره یونسکو نظارت بر افراد شهروند را متأثر از شرایط جدید دانسته است و تبعیض جنسیتی را از این شرایط رد نموده است و نحوه اداره جهانی اینترنت را مورد توجه قرار داده است و شکاف دیجیتالی، سوءاستفاده از فضای وب و اطلاعات بدون غربال سازی را از چالش های متأثر از تحولات گسترش فن آوری های ارتباطات و اطلاعات می داند. در این مبحث در چند گفتار به چالش های موجود در خصوص دسترسی به اینترنت، پرداخته می شود.

شکاف دیجیتال

امروزه مفاهیم تازه ای همچون انقلاب اطلاعات، انقلاب ارتباطات، اقتصاد اطلاعاتی، تمدن اطلاعاتی و جامعه اطلاعاتی مرحله جدیدی از مفهوم سازی به ارمغان آورده است. و اهمیت ویژه ای پیدا کرده است. در کشورهای آفریقایی یا آسیایی یکی از شکاف های موجود، شکاف از جنس دیجیتال بود. بسیاری از چالش های جدی اینترنت نتیجه تعاملات روبه رشد آنلاین اینترنتی و دیگر واسطه های الکترونیکی بین فرهنگ ها، مذاهب، نظام های سیاسی، اقتصادها و شیوه های زندگی می باشد. در داخل کشورها امکان دسترسی به اینترنت به عواملی همچون سن، مهارت ها، زمینه فرهنگی، توان مالی، معلولیت و طبقه و بسیاری دیگر بستگی داشته است (پاملا آبوت و کلر والاس، ۱۳۸۰). در این باره میلتون مولر استاد مخابرات و مدیریت شبکه ها در دانشگاه سیراکوس معتقد می باشد: «تفاوت رادیو و تلویزیون با اینترنت در این است که آن ها به محض خرید قابل بهره برداری هستند ولی خرید یک رایانه اولین قدم برای اتصال اینترنت است. اگر شما جاده، برق، خط تلفن، سرویس دهنده ملی نداشته باشید سخن گفتن از اینترنت دشوار است.

به طور کلی شکاف دیجیتالی اصطلاحی می باشد در اشاره کردن فاصله بین مردمانی که به فن آوری اطلاعات و فن آوری دیجیتال دسترسی موثری داشته اند با مردمانی که دسترسی بسیار محدود یا اصلاً دسترسی ندارند بیان گردیده است. در واقع این گونه می توان بیان داشت که: «تقویت زیر ساخت های ارتباطی چه از لحاظ تهیه و به کارگیری تجهیزات فنی مناسب و چه از جهت تربیت نیروی انسانی متخصص در تمام سطوح و فراهم آوردن امکانات ارتباط برای همگان به عنوان شرایط اصلی تسهیل جریان آزاد و بخش گسترده تر اطلاعات شناخته می گردد. هدف های بنیادین نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات نیز بر همین اساس استوارند» (معظمی گودرزی، ۱۳۸۹).

شکاف جنسیتی

اهمیت پرداختن به موضوع توانمند سازی زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان در فعالیت های اجتماعی با استفاده از فن آوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی مربوط به اجلاس های جهانی درباره جامعه اطلاعاتی مورد تاکید واقع شده است. در کشورهای توسعه یافته رشد سریع فن آوری ها به ویژه فن آوری های جدید ارتباطات و اطلاعات و مطرح

شدن بحث شکاف دیجیتال، به نظر می‌رسد جهت دستیابی تمام افراد به این فن آوری‌ها راهبردهایی لازم است. در بند ۱۲ اعلامیه اصول، تاکید شده است: «که توسعه فن آوری‌های اطلاعات و ارتباطات فرصت‌های بزرگی در اختیار زنان می‌گذارد و آنان را بخش جدایی ناپذیر و بازیگران اصلی در جامعه اطلاعاتی معرفی می‌کند» (UNESCO, ۲۰۱۳). هم چنین در گزارش‌های اتحادیه بین المللی ارتباطات دور، به مبحث شکاف جنسیتی در زیر گفتمان دیجیتال به آن توجه شده است. در واقع در بند ۱۲ اعلامیه اصول، بر نقش فن آوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات در فرصت دهی به عنوان بخشی از جامعه اطلاعاتی تاکید می‌نماید. در سطح جهان سازمان‌های غیر دولتی برای توانمندسازی زنان توسط فن آوری‌های اطلاعات تلاش‌های خود را آغاز نموده اند. «امروزه از آن جا که تعداد قابل توجهی از زنان به اینترنت دسترسی دارند، استفاده بیشتری از وب جهانی، صورت می‌گیرد» (معمدی، ۱۳۸۵). به طور کلی، در کشورهای در حال توسعه اگرچه جمعیت زنان بهره مند از فن آوری‌های اطلاعات و ارتباطات رو به رشد است؛ لیکن هم چنان این شکاف در بین زنان و مردان مشهود می‌باشد.

تنوع فرهنگی و زبانی

زبان مهم ترین شیوه ارتباط بین مردم و بخشی از میراث فرهنگی می‌باشد. زبان در میان مردم حامل همبستگی‌های فرهنگی و عاطفی دیرینی است. یکی از مشکلات این است که اطلاعات و خدمات قابل دسترس در اینترنت معمولاً به زبان‌های عمده و اصلی جهان نگاشته شده اند. و در صورتی که این شرایط تغییر کند شاهد تضعیف تنوع فرهنگی و زبانی و نیز نابودی سریع زبان‌ها، رسوم و سنت‌ها خواهیم شد. امروزه یک شکاف گسترده زبانی بر روی اینترنت مطرح می‌باشد که موجب تشدید شکاف دیجیتالی دامن می‌زند. و در نتیجه تمامی افراد بایستی به اینترنت چند زبانه دسترسی داشته باشند. یونسکو معتقد است: «که تنوع زبانی و چندزبانگی نقش مهمی در ترویج جوامع اطلاعاتی کثرت گرا، عادلانه و باز ایفا می‌کند. این سازمان اعضای خود را تشویق می‌کند تا سیاست‌های جامع زبانی را از طریق تخصیص منابع و استفاده از ابزارهای مناسب به منظور ارتقا و تسهیل تنوع زبانی به خصوص از طریق اینترنت و رسانه‌ها به کار گیرند. در این راستا، این سازمان استفاده از زبان‌های جدید، ایجاد و انتشار محتوا به زبان‌های محلی از طریق کانال‌های اینترنت و ارتباطات جمعی و دسترسی چندزبانه به منابع دیجیتال در فضای مجازی را تشویق می‌کند» (سپاسگر، ۱۳۸۴). از آن جا که زبان هسته مرکزی در تمام زمینه‌های یونسکو می‌باشد این سازمان یک رویکرد میان رشته ای به منظور دستیابی به چند زبانگی و تنوع زبانی، از جمله فرهنگ، آموزش، علم، ارتباطات و اطلاعات، علوم انسانی و اجتماعی ترویج می‌دهد.

بنابراین، آن هنگام پیشرفت جامعه اطلاعاتی امکان پذیر می‌باشد که دسترسی به اطلاعات چند فرهنگی و چند زبانی تشویق می‌شود.

سانسور و فیلترینگ

گسترش اینترنت زمینه‌ای را فراهم آورده است که اطلاعات بدون هیچ گونه محدودیتی فراتر از مرزهای جغرافیایی در سراسر جهان منتشر گردیده اند و به یک رسانه اطلاعاتی و ارتباطی تبدیل شدند. اگرچه در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی بشر صراحتاً به تضمین حق دسترسی آزاد به اطلاعات تأکید نموده است. اما تعداد کشورهایی که مبادرت به سانسور محتویات شبکه اینترنت می‌نمایند رو به افزایش می‌باشد. « هر چند تمایل به سانسور اینترنت در میان کشورهای مختلف رو به گسترش می‌رود، ابزارهای مقابله با اینگونه سانسورها که توسط حامیان حقوق بشر، فعالان سیاسی، برنامه نویسان، و افراد داوطلب تهیه و توزیع می‌شود، نیز روز به روز گسترده شده و در اختیار تعدادی بیشتری از کاربران اینترنت قرار می‌گیرند». در کشورهای مختلف دلایل عمده برای فیلتر کردن را می‌توان به چهار قسمت تقسیم نمود: مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل امنیتی و مسائل اخلاقی می‌باشد. در واقع تفاوت مبنایی برای فیلترینگ ارزش‌های بنیادین در آن کشورها می‌باشد. در این زمینه فرانک لارو نماینده ویژه سازمان ملل متحد بیان داشته است: « داشتن واسطه‌هایی مثل شرکت‌های ارایه دهنده خدمات اینترنتی برای جلوگیری از انتشار محتویاتی که کاربران آن‌ها تولید می‌کنند، باعث تضعیف حق آزادی بیان و فکر می‌شود. او می‌افزاید: این کار باعث خودسانسوری شده و شفافیت و قانون در مورد آن اعمال نمی‌شود». به موجب ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، « هر فرد ایرانی در چارچوب قانون حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد» به موجب بند الف از ماده ۲۲ همین قانون، « ممانعت از دسترسی به اطلاعات، برخلاف مقررات قانونی مشمول مجازات خواهد بود و در فضای مجازی که در مدت زمان بسیار کوتاه انواع اطلاعات تبادل می‌گردد».

بیانیه ای در مورد حقوق بشر و حاکمیت قانون در جامعه اطلاعاتی با تصویب کمیته وزرا در ۱۳ مه ۲۰۰۵ به تصویب رسیده است بیان داشته است که: « کشورهای عضو باید اقدامات قانونی و عملی را برای جلوگیری از سانسور دولتی و خصوصی افزایش دهند. بخش خصوصی و جامعه مدنی به توسعه استانداردهای مشترک و استراتژی‌هایی برای ترویج شفافیت و ارایه اطلاعات راهنمایی و کمک به کاربران شخصی فن آوری‌ها و خدمات مربوط در میان چیزهای دیگر و مسدود کردن دسترسی و فیلترینگ محتوا و خدمات مربوط به حق دریافت و انتقال اطلاعات تشویق شوند» (Council of Europe, ۲۰۰۷).

بنابراین، « فیلترینگ اینترنت اعمالی که موجب محدودیت در حقوق بشر در قالب عمل متقابل به مفهوم فوق گردند در حقوق بشر جایی ندارند و از طرفی دیگر استفاده از این روش‌ها نیز در صورتی که بر روی برنامه‌های ارسالی که خلاف مقررات حقوق بشر باشند، اعمال گردند صحیح و قانونی تلقی می‌گردند» (نظری، ۱۳۸۴). لیکن در اسناد حقوق بشری قانون تعریف خاصی بیان کرده است که تئوری حاکمیت قانون برگرفته است.

سواد رسانه ای

فرهنگ جدید تأثیری متفاوت در نمادها، رمزها، زبان‌های رسمی، بازنمایی‌های بصری و تصاویر ذهنی ایجاد می‌نماید که بر این اساس صورت جدیدی از سواد اطلاعاتی پدید آمد. با ظهور جامعه اطلاعاتی، در زندگی امروزه فرد در جهانی از پیام‌های رسانه‌ای گرفتار گردید که هیچ محدودیتی برای حجم اطلاعات در دسترس نیست. در این شرایط چالش‌های جدیدی به وجود آمد: اولاً، رسانه‌های جدید منابع بی شماری را ارائه می‌نمایند و به هر کس اجازه می‌دهند به فضای عمومی پیام ارسال نماید. ماهیت رسانه‌ها واقعی نیستند، چون که در جهان تحت سلطه فرهنگ رسانه‌ها، مرزهای میان واقعیت و تصور تبدیل گردیده اند. در وضعیت کنونی، افراد به مهارت‌های جدیدی نیازمند هستند تا از طریق فن آوری ارتباطات و اطلاعات به ویژه اینترنت، از داده‌ها و اطلاعات منتشر در جهان استفاده نمایند. سواد رسانه‌ای می‌تواند به عنوان شیوه آموزشی با هدف توسعه شایستگی رسانه‌ها به عنوان یک نگرش انتقادی نسبت به رسانه‌ها تعریف می‌گردد.

در آغاز قرن ۲۱ هم زمان با پیشرفت‌های وسیع در حوزه فن آوری‌های ارتباطات و اطلاعات به ویژه اینترنت، و سایر تحولات متأثر از این پیشرفت‌ها مفهوم سواد را دگرگون کرد.

کارشناسان حوزه ارتباطات تعریفی از سواد رسانه‌ای ارائه نموده اند: «توانایی دستیابی، تجزیه و تحلیل، نقد، ارزیابی و ایجاد ارتباط به گونه‌های مختلف می‌باشد». به نظر آنان، فردی که واجد این مهارت می‌باشد قادر است به شکل منتقدانه، در مورد آنچه از کتاب، روزنامه، تلویزیون، موسیقی، بازی‌های ویدیویی، اینترنت و.... مشاهده می‌کند، می‌خواند و می‌شنود، فکر می‌کند. از نظر برخی دیگر از کارشناسان، سواد رسانه‌ای به معنای «فراگیری چگونگی تولید پیام با استفاده از رسانه‌های چاپی، سمعی و بصری و.... است».

در سال ۱۹۵۱ براساس تعریفی که یونسکو انجام فردی که توانایی درک (خواندن و نوشتن) متنی ساده از زندگی روزانه خود را داشته است با سواد اطلاق می‌گردد. با تغییر شرایط، در سال ۱۹۶۲ با سواد فردی اطلاق می‌شود که مهارت اساسی و دانش مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های خود را داشته است، به طوری که می‌توانست در گروه و جامعه خود به صورت موثر عمل نماید.

والدین و معلمین برای تطبیق زندگی خود و تجربه حرفه‌ای شان با تجربه رسانه‌ای فرزندانشان ناتوان می‌باشند. این مسئله برای بسیاری از بزرگسالان به طور فزاینده‌ای دشوار می‌باشد که با تغییرات فراگیر ارتباطات مدرن کنار آمده‌اند. جهانی شدن و همگرایی رسانه‌ها در کنار تمام امکانات خوبی که ارائه می‌دهد، موجب بروز نگرانی‌های شدید گردیده است که از آن به عنوان سرریز اطلاعات نام برده اند. که این امر ناشی از تسلط صریح یک زبان و یک فرهنگ بر روی رسانه‌های جدید و افزایش تجاری سازی می‌باشد.

برای کسانی که نمی‌توانند از طریق رسانه‌ها ارتباط برقرار نمایند یا قادر به ارزیابی محتوا نمی‌باشند خطر جدی از محرومیت‌های اجتماعی وجود دارد. در این باره دموکراسی‌های اروپایی ابزارهای بسیاری برای پاسخگویی به

چالش‌های مطرح گردیده توسط این جامعه در حال تغییر در اختیار می‌باشد. امروزه نشان داده می‌شود که نیاز فوری برای اقدامات قاطع تر و بنیادی آموزشی به منظور ترویج استفاده فعال، انتقادی و نکته‌سنجانه از رسانه‌ها، و به عبارت دقیق تر، توسعه آموزش رسانه ای وجود دارد.

در سایه تحولات فن آورانه، بشر به حقوق جدیدی نیازمند است که هرچند پایه‌های آن همان‌هایی می‌باشند که پیش از این مورد استناد بوده اند، لیکن با پیشرفت‌های جوامع بشری تحولات لازم و تغییر را به دست آورده اند. دسترسی به اینترنت با چالش‌هایی روبه می‌باشد که در صورت عدم مرتفع نمودن آن نمی‌توان ادعای به رسمیت شناختن آن را برای بشر امروز مطرح نمود. به طور کلی، «استفاده از اینترنت، به عنوان یک فن آوری نوین، سواد و آموزش‌هایی خاص را می‌طلبد که بدون آن‌ها، اینترنت صرفاً به وسیله‌ای تجملی مبدل می‌گردد» (UNESCO, ۲۰۱۳). بنابراین، هر جامعه بایستی علم و توان شناخت تحولات زمان خود را داشته باشد و با تصمیم‌گیری‌های درست، سریع و به موقع، جامعه خود را هدایت کند.

نتیجه‌گیری

برای ارتباط داشتن با حق دسترسی به اینترنت دلایل مناسبی مطرح گردیده است که می‌توان براساس آن استدلال کرد و بیان داشت که حق دسترسی به اینترنت یک حق بشری می‌باشد. در حال حاضر، دسترسی به اینترنت صرفاً یک کالای تجملی برای کسانی که توان مالی ندارند نمی‌باشد بلکه در واقع برخورداری از حداقل‌های یک زندگی شایسته در جهان امروز مستلزم دسترسی به اینترنت است. در اعمال بسیاری از اقسام حقوق بشر اهمیت اینترنت از بدیهیات می‌باشد. به عنوان مثال حق بر آزادی بیان، حق بر آزادی تجمعات بدون شک مستلزم یک اینترنت آزاد و عدم سانسور و کنترل از سوی دولت‌ها مطرح است.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی حق دسترسی به اینترنت در ذیل عنوان حق آزادی بیان مطرح گردیده است. اینترنت با وجود اهمیتی که دارد نتوانسته است مشابه یک حق بشری باشد زیرا در صورتی که دولت‌ها ملزم گردند که حق دسترسی به اینترنت برای شهروندان تدارک نمایند این امر مستلزم آن است که دولت‌ها ملزم شوند زیرساخت‌های دسترسی به اینترنت را برای همه شهروندان فراهم کنند که در این مسئله هیچ سند بین المللی حقوق بشری الزام دولت‌ها را اثبات ننموده است. وجود چالش‌ها و خلاءها از جمله ممنوعیت سانسور، فیلترینگ، شکاف دیجیتالی و... می‌توان عنوان کلی تری همانند حق دسترسی به اطلاعات تضمین کرد.

بنابراین، اینترنت را فناوری جدیدی می‌دانند که در عین تأثیر پذیرفتن از قواعد حقوقی سنتی، مستلزم شناسایی اصول و قواعد خاصی می‌باشد. هم چنین حق دسترسی به اینترنت حداقل‌هایی را برای تضمین دسترسی بدون تبعیض، امن، پایدار و ارزان به این فناوری ارتباطی مقرر نموده است.

در این زمینه می‌توان یک سری پیشنهادهایی را برای بهبود و رفع هرگونه چالش و خلاء را مطرح نمود:

۱- در سطح سیاست‌ها اینترنت بایستی همانند خدمات اساسی ارتباطات دور، آب و برق، در جهت منافع عمومی شناخته گردد. و همچنین جامعه بین‌المللی باید مفهوم دسترسی همگانی به خدمات اینترنت و شبکه‌ها به عنوان یک حق اساسی انسانی به رسمیت شناخته و از آن حمایت نماید.

۲- راهبردهایی را برای توسعه لوازم و وسایل آموزش زبان، با قابلیت دسترسی آزاد به ارتباط مستقیم رایانه‌ای تصویب نماید.

۳- از تمام اشکال تبعیض زبانی در دسترسی به اطلاعات و معرفت‌های علمی و فرهنگی جلوگیری کنند.

۴- آموزش رسانه‌ای را به عنوان بخش مهمی از فعالیت‌های خود در زمینه آموزش برای شهروندان دموکراتیک قرار داده شود و همچنین به فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و آموزش‌های غیر رسمی توجه خاص صورت گیرد.

۵- در این زمینه با توجه به فسادهای موجود در استفاده کردن از اینترنت قانون‌گذار می‌بایست جرم‌انگاری نماید.

مبانی نظری پژوهش

یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی این پژوهش، منشور ملل متحد است که اساس نظام حقوق بین‌الملل مدرن را تشکیل می‌دهد. منشور در ماده ۲ بند ۴ به صراحت بیان می‌کند که کلیه اعضای سازمان ملل باید از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور خودداری کنند (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵). این اصل، ستون فقرات نظم بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود.

به علاوه، همین ماده تصریح می‌کند که کشورهای عضو باید اختلافات بین‌المللی خود را از طریق وسایل مسالمت‌آمیز به گونه‌ای حل کنند که صلح و امنیت بین‌المللی به خطر نیفتد. این الزام بر گفت‌وگو و راهکارهای دیپلماتیک پیش از هرگونه اقدام خشونت‌بار تأکید می‌کند (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵).

ماده ۵۱ منشور ملل متحد نیز به عنوان تنها استثنای جدی بر قاعده منع توسل به زور شناخته می‌شود. بر اساس این ماده، در صورتی که حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد روی دهد، آن عضو حق دفاع مشروع فردی یا جمعی خواهد داشت، تا هنگامی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵).

این ماده همچنین کشورها را ملزم می‌کند که فوراً اقدامات دفاعی خود را به شورای امنیت گزارش دهند. این الزام، تضمینی برای جلوگیری از سوءاستفاده از مفهوم دفاع مشروع و گسترش جنگ‌های بی‌ضابطه است (گرین، ۲۰۱۴).

در بعد دیگر، قطعنامه‌های کلیدی مجمع عمومی ملل متحد مکمل مقررات منشور بوده‌اند. به ویژه قطعنامه ۲۶۲۵ مورخ ۱۹۷۰ که به «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دوستانه و همکاری میان کشورها» شهرت دارد،

به طور خاص ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور را تکرار و بر آن تأکید می کند. این سند همچنین مشروعیت دفاع مشروع در برابر تجاوز را تصریح می نماید (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۰).

همچنین قطعنامه ۳۳۱۴ مورخ ۱۹۷۴ که «تعریف تجاوز» را ارائه داده است، به عنوان مبنای حقوقی مهمی شناخته می شود. طبق ماده ۳ این قطعنامه، استفاده از نیروهای مسلح یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگر، تجاوز محسوب می شود (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۴). این قطعنامه عملاً معیارهای عینی برای احراز وقوع تجاوز را فراهم کرده است.

از منظر حقوق بشر، گزارش های گزارشگر ویژه سازمان ملل در خصوص قتل های فراقضایی اهمیت ویژه ای دارد. این گزارش ها به ویژه در مورد ترور هدفمند نظامیان و شخصیت های علمی در خارج از صحنه مخاصمه فعال، آن را نقض صریح حق حیات بر اساس ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی دانسته اند (گزارشگر ویژه قتل های فراقضایی، ۲۰۲۳).

از سوی دیگر، در حوزه حقوق بشردوستانه بین المللی، کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷ جایگاه ممتازی دارند. این اسناد اصول بنیادینی چون اصل تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی و اصل تناسب را تثبیت کرده اند که حملات نظامی را به چارچوب های سختگیرانه ای محدود می کند (کمیته بین المللی صلیب سرخ، ۱۹۷۷).

اصل تمایز ایجاب می کند که همواره میان نیروهای نظامی و غیرنظامیان تفاوت قائل شد و از هدف قرار دادن افراد و اشیاء غیرنظامی خودداری نمود. همچنین اصل تناسب ایجاب می کند که حتی حملات مشروع علیه اهداف نظامی نباید منجر به خسارات جانبی غیرمتناسب به غیرنظامیان گردد (کمیته بین المللی صلیب سرخ، ۱۹۷۷).

کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴ در مورد هوانوردی کشوری نیز از دیگر مبانی نظری پژوهش حاضر است. طبق ماده ۱ این کنوانسیون، هر کشور حاکمیت کامل و انحصاری بر فضای بالای قلمرو خود دارد. بنابراین پرواز نظامی بدون رضایت کشور صاحب قلمرو، نقض آشکار این اصل است (سازمان هوانوردی کشوری بین المللی، ۱۹۴۴).

مجموع این اسناد بین المللی نشان می دهد که نظام حقوقی جهان رو، هم در سطح منشور و قطعنامه های سازمان ملل، هم در سطح کنوانسیون های تخصصی (همچون ژنو و شیکاگو) و هم در حوزه حقوق بشر، مجموعه ای جامع از ممنوعیت های استفاده از زور و نیز شروط سختگیرانه برای اعمال دفاع مشروع طراحی کرده است (مورفی، ۲۰۱۹).

بر این اساس، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر دو اصل محوری استوار است: نخست، اصل منع استفاده از زور به عنوان قاعده آمره (Jus Cogens) و دوم، حق دفاع مشروع که استثناء محدودی بر این قاعده محسوب می شود و مشروط به وجود حمله مسلحانه، ضرورت و تناسب، و گزارش فوری به شورای امنیت است (سازمان ملل متحد،

۱۹۴۵؛ گرین، ۲۰۱۴). این مبانی، شالوده تحلیل حقوقی حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران و مشروعیت دفاع ایران را تشکیل می‌دهد.

نقض قواعد حقوق بین الملل توسط رژیم صهیونیستی

تجاوز آشکار به خاک ایران

بر اساس ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد، استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور ممنوع است، مگر در دو استثنای محدود یعنی دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور یا اقدامات جمعی شورای امنیت تحت فصل هفتم (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵). از این رو حمله موشکی رژیم صهیونیستی به خاک ایران بدون تصویب شورای امنیت و خارج از دفاع مشروع، نقض مستقیم این ماده محسوب می‌شود.

به گفته بسیاری از پژوهشگران حقوق بین الملل، قاعده منع توسل به زور یک قاعده آمره است و لذا حتی رضایت‌نامه‌های دوجانبه نمی‌توانند آن را نقض کنند (کاسه‌کشی و همکاران، ۲۰۲۲). این بدان معناست که هرگونه عدول از این قاعده، تجاوز و ناقض نظم عمومی بین‌المللی خواهد بود.

قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۴ نیز استفاده از نیروهای مسلح یک کشور علیه حاکمیت یا تمامیت ارضی کشور دیگر را به عنوان «تجاوز» تعریف کرده است (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۴). بر اساس این سند، شلیک موشک‌های رژیم صهیونیستی به خاک ایران بدون پیش‌شرط‌های قانونی، به‌طور کامل در چهارچوب این تعریف قرار می‌گیرد.

مطالعات موردی انجام‌شده در نشریات معتبری چون جی‌استور نشان می‌دهد که در موارد مشابه (مانند حمله آمریکا به پاناما یا عراق)، تحلیلگران حقوقی این اقدامات را تجاوز دانسته‌اند حتی اگر با عناوینی نظیر «حمله پیشگیرانه» توجیه شده باشد (آلن، ۲۰۲۱). از این منظر، استدلال‌های احتمالی رژیم صهیونیستی مبنی بر تهدید پیشگیرانه، اعتبار حقوقی ندارد.

از سوی دیگر، پژوهش‌های منتشرشده در آکسفورد آکادمیک تأکید دارند که تجاوز به عنوان یک جرم بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی دولت مرتکب را به همراه دارد و ممکن است تحت پیگرد دیوان کیفری بین‌المللی قرار گیرد، به‌ویژه اگر منجر به تلفات غیرنظامیان شود (اسمیت، ۲۰۲۳).

با این اوصاف، حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران بدون هیچ مصوبه شورای امنیت، فاقد مشروعیت حقوقی و مصداق بارز تجاوز نظامی طبق اسناد بین‌المللی و اجماع دکترین حقوقی معاصر است (گرین، ۲۰۱۴؛ گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۲۰۲۵).

نقض اصول حقوق بشر و بشردوستانه

یکی از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی که در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن تصریح شده، اصل تمایز است. این اصل طرف‌های درگیر را ملزم می‌کند همواره میان غیرنظامیان و رزمندگان، و همچنین اهداف غیرنظامی و نظامی تمایز قائل شوند (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۹۷۷).

حمله موشکی رژیم صهیونیستی که به‌طور مشخص مناطق مسکونی در ایران را هدف قرار داد، نقض صریح این اصل است. تحلیل‌های حقوقی موجود در اس‌اس‌آران بیان می‌دارد که حتی در صورت وجود اهداف نظامی مشروع، حمله‌ای که به‌طور نامتناسب باعث تلفات غیرنظامیان شود، غیرقانونی است (گرین، ۲۰۱۴).

اصل تناسب که مکمل اصل تمایز است، بر این نکته تأکید دارد که منافع نظامی قابل انتظار از یک عملیات نباید در مقایسه با آسیب‌های جانبی به غیرنظامیان بیش از حد باشد. مقالات منتشرشده در آکسفورد آکادمیک به‌طور خاص به موارد مشابه در غزه و یمن اشاره کرده‌اند که در آنها، نقض تناسب منجر به محکومیت گسترده بین‌المللی شد (هارت، ۲۰۲۲).

ترور فرماندهان نظامی ایران در خارج از صحنه نبرد فعال مصداق قتل‌های فراقضایی است که نقض ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی محسوب می‌شود (گزارشگر ویژه قتل‌های فراقضایی سازمان ملل متحد، ۲۰۲۳). این گزارش‌ها بارها تأکید کرده‌اند که حذف فیزیکی افراد بدون دادرسی منصفانه، حتی در چارچوب درگیری مسلحانه نیز تنها در شرایط بسیار محدود مجاز است.

تحقیقات انجام‌شده در جی‌استور و اس‌اس‌آران نشان می‌دهد که ترور هدفمند شخصیت‌ها و دانشمندان در خارج از مناطق جنگی، نه تنها بر اساس حقوق بشر بلکه طبق حقوق بشردوستانه نیز ممنوع بوده و می‌تواند مصداق جنایت جنگی باشد (جانسون، ۲۰۲۰؛ جی‌استور).

بنابراین رفتار رژیم صهیونیستی در حمله به غیرنظامیان و ترور فرماندهان ایرانی، علاوه بر نقض اصول بنیادین حقوق بشردوستانه و بشر، مبنایی برای مسئولیت کیفری بین‌المللی رهبران و مقامات تصمیم‌گیر رژیم صهیونیستی نزد دیوان کیفری بین‌المللی فراهم می‌آورد (اسمیت، ۲۰۲۳).

نقض حاکمیت هوایی

کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴ در مورد هوانوردی کشوری که تقریباً همه کشورهای جهان از جمله رژیم صهیونیستی و ایران عضو آن هستند، در ماده ۱ خود تصریح می‌کند که هر کشور دارای «حاکمیت کامل و انحصاری» بر فضای هوایی بالای قلمرو خود است (سازمان هوانوردی کشوری بین‌المللی، ۱۹۴۴).

بر این اساس، پرواز یا ورود هرگونه هواپیمای نظامی بیگانه به حریم هوایی یک کشور بدون رضایت صریح آن کشور، نقض این حاکمیت و مغایر با اصول شناخته‌شده بین‌المللی است. حمله موشکی رژیم صهیونیستی با عبور از

فضای هوایی کشورهای منطقه و ورود به حریم ایران، نقض واضح این اصل به شمار می‌رود (سازمان هوانوردی کشوری بین‌المللی، ۱۹۴۴).

مطالعات تطبیقی منتشر شده در جی‌استور و آکسفورد آکادمیک نشان می‌دهد که در پرونده‌های مشابه، نظیر ورود پهپادهای ایالات متحده به خاک پاکستان یا عملیات هوایی ترکیه در عراق، نهادهای حقوقی بین‌المللی این اقدامات را مغایر کنوانسیون شیکاگو دانسته‌اند (آلن، ۲۰۲۱؛ هارت، ۲۰۲۲).

تحقیقات اس‌اس‌آران بر این نکته تأکید دارد که کنوانسیون شیکاگو با وجود ماهیت عمدتاً فنی و هوانوردی، بخشی جدایی‌ناپذیر از احترام به اصل حاکمیت دولت‌ها است و نقض آن می‌تواند زمینه‌ساز مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز گردد (گرین، ۲۰۱۴).

گزارش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد نیز تأکید دارند که نقض حریم هوایی کشورها بدون رضایت، حتی اگر در ظاهر به‌عنوان عملیات محدود یا پیشگیرانه توجیه شود، همچنان مسئولیت بین‌المللی را به دنبال دارد (کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۲۰۰۱).

در نتیجه، نقض حاکمیت هوایی ایران از سوی رژیم صهیونیستی از دیدگاه حقوق بین‌الملل نه تنها یک عمل غیرقانونی مستقل بلکه به‌عنوان بخشی از الگوی کلی تجاوز نظامی محسوب می‌شود که به‌وضوح تعهدات رژیم صهیونیستی تحت کنوانسیون شیکاگو و اصول عرفی را زیر پا گذاشته است.

مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی ماهیت نقض قواعد آمره (Jus Cogens)

یکی از ارکان اصلی نظم حقوقی بین‌الملل معاصر، شناسایی قواعد آمره یا همان «Jus Cogens» است که در رأس سلسله‌مراتب حقوق بین‌الملل قرار دارند. این قواعد به قدری بنیادین هستند که هیچ توافق دوجانبه یا چندجانبه‌ای نمی‌تواند آنها را نقض کند و در صورت تعارض، آن توافق فاقد اعتبار است. اصل منع توسل به زور، که در ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته، به‌عنوان بارزترین نمونه این قواعد آمره شناخته می‌شود. به همین دلیل حتی چنانچه دو کشور توافق کنند که یکی مجاز به حمله به دیگری باشد، این توافق در برابر قاعده آمره منع تجاوز هیچ اثر حقوقی نخواهد داشت (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵؛ کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۲۰۰۱).

بر این اساس، جامعه بین‌المللی، تجاوز نظامی و استفاده غیرقانونی از زور را نه تنها نقض حقوق عرفی بلکه نقض یکی از قواعد بنیادین و تغییرناپذیر می‌داند. دیوان بین‌المللی دادگستری در آراء مختلف خود از جمله در قضیه «فعالیت‌های مسلحانه در سرزمین کنگو» (۲۰۰۵) تصریح کرد که احترام به تمامیت ارضی و خودداری از توسل به زور، اصولی هستند که در زمره حقوق بین‌الملل آمره قرار می‌گیرند (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۰۵).

مطالعات گسترده‌ای که در مقالات منتشر شده در اس‌اس‌آران و جی‌استور نیز صورت گرفته، نشان می‌دهد که اصل منع توسل به زور، امروزه از مصادیق شناخته‌شده قواعد آمره است که جامعه بین‌المللی در کلیت خود به آن پایبند است (گرین، ۲۰۱۴؛ کاسه‌کشی و همکاران، ۲۰۲۲). از این منظر، اقدام رژیم صهیونیستی در تجاوز نظامی به خاک ایران، علاوه بر نقض حقوق عرفی و قراردادی، تجاوزی به نظم عمومی بین‌المللی تلقی می‌شود که نمی‌توان برای آن توجیهی حقوقی یافت.

تعهد به جبران و توقف تجاوز

حقوق بین‌الملل نه تنها وقوع عمل متخلفانه بین‌المللی را ممنوع می‌داند، بلکه پیامدهای حقوقی آن را نیز دقیقاً تعیین کرده است. به موجب پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد تصویب و به عنوان سند معتبر حقوق عرفی بین‌المللی پذیرفته شده است، دولت مرتکب موظف است اولاً فوراً به اقدام غیرقانونی خود پایان دهد و ثانیاً تمام خسارات مادی و معنوی ناشی از آن را جبران نماید (کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۲۰۰۱).

بر اساس ماده ۳۱ این پیش‌نویس، دولت مسئول «ملزم به جبران کامل خسارات» است و این جبران شامل بازگرداندن وضعیت به حالت قبل، پرداخت غرامت و در صورت اقتضاء رضایت بخشی معنوی می‌شود. همچنین ماده ۳۰ این سند صراحتاً توقف اقدام غیرقانونی را الزام حقوقی دولت متخلف می‌داند. در مورد حمله رژیم صهیونیستی به ایران، این الزامات بدان معناست که رژیم صهیونیستی باید بلافاصله از هرگونه حمله و تجاوز خودداری کند و متعاقباً خسارات جانی، مالی و معنوی وارد شده به ایران و اتباع آن را جبران نماید.

پژوهش‌های انجام‌شده در آکسفورد آکادمیک، به‌ویژه در زمینه رویه‌های جبرانی پس از تجاوز عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، نشان داده است که جامعه بین‌المللی چگونه دولت متجاوز را موظف به پرداخت غرامت‌های هنگفت و حتی تشکیل صندوق‌های جبران خسارت کرد (اسمیت، ۲۰۲۳). بنابراین مسئولیت رژیم صهیونیستی در چارچوب تجاوز به خاک ایران، تنها بر اساس اصول نظری نیست، بلکه دارای پیشینه‌های عملی و سابقه‌های حقوقی مستحکم در روابط بین‌الملل است.

امکان اقدام از طریق نهادهای بین‌المللی

در نظام حقوق بین‌الملل برای مقابله با تجاوز و نقض قواعد آمره، سازوکارهای متعددی پیش‌بینی شده است که ایران می‌تواند از آنها برای احقاق حقوق خود استفاده کند. در رأس این نهادها، شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار دارد که مطابق فصل هفتم منشور ملل متحد صلاحیت دارد در صورت تشخیص «تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز» تدابیری از قبیل تحریم، اقدامات دیپلماتیک، و حتی استفاده از زور جمعی را اتخاذ نماید (سازمان

ملل متحد، ۱۹۴۵). از این رو ایران می‌تواند با استناد به ماده ۳۹ منشور، خواستار تشکیل جلسه شورای امنیت و بررسی موضوع حمله رژیم صهیونیستی شود.

در صورت ناتوانی یا انفعال شورای امنیت به دلیل وتو یا سایر ملاحظات سیاسی، ایران می‌تواند از طریق مجمع عمومی سازمان ملل متحد و با استناد به قطعنامه «اتحاد برای صلح» (قطعنامه ۳۷۷ مورخ ۱۹۵۰) موضوع را پیگیری کند. این رویه پیش‌بینی شده است تا در شرایطی که شورای امنیت به دلیل اختلاف میان اعضای دائم قادر به اقدام نیست، مجمع عمومی بتواند ابتکار عمل را در دست گیرد و حتی توصیه به اقدامات جمعی از جمله تدابیر اقتصادی یا نظامی کند (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۵۰).

از منظر دادرسی بین‌المللی، ایران می‌تواند علیه رژیم صهیونیستی در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوی نماید. دیوان در پرونده‌هایی نظیر «کنگو علیه اوگاندا» تعرض نظامی به خاک کشور دیگر را نقض آشکار اصول حقوق بین‌الملل دانسته و دولت متجاوز را به توقف فوری عملیات و پرداخت غرامت محکوم کرده است (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۰۵).

همچنین در صورتی که دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت خود را بر اساس اساسنامه رم احراز کند، می‌تواند حمله رژیم صهیونیستی را به عنوان «جنایت تجاوز» یا «جنایت جنگی» مورد رسیدگی قرار دهد، به‌ویژه اگر مدارکی مبنی بر حمله به غیرنظامیان، تخریب گسترده زیرساخت‌های غیرنظامی و ترور هدفمند وجود داشته باشد (اسمیت، ۲۰۲۳؛ گزارشگر ویژه قتل‌های فراقضایی، ۲۰۲۳). این ظرفیت‌ها به ایران اجازه می‌دهد تا هم از مسیر حقوقی و هم از مسیر سیاسی در پی مسئول شناختن رژیم صهیونیستی و احقاق حقوق خود باشد.

حق دفاع مشروع ایران بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد

حق دفاع مشروع به عنوان تنها استثنای پذیرفته شده بر اصل منع توسل به زور در منشور ملل متحد در ماده ۵۱ این سند آمده است. بر اساس این ماده، در صورتی که «حمله مسلحانه‌ای علیه یک عضو سازمان ملل صورت گیرد»، آن عضو حق دارد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم را به عمل آورد، از خود به‌طور فردی یا جمعی دفاع کند، مشروط بر آن که «بلافاصله» موضوع را به شورای امنیت گزارش دهد (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۵). این حق ریشه در حقوق طبیعی ملت‌ها برای بقاء و حفاظت از خود دارد که توسط منشور صرفاً تأیید و تنظیم شده است.

یکی از مهم‌ترین شرایط اعمال حق دفاع مشروع، وقوع حمله مسلحانه است. دیوان بین‌المللی دادگستری در آراء متعدد خود از جمله در قضیه «سکوهای نفتی» (۲۰۰۳) میان حملات محدود و غیرمستمر با حمله مسلحانه‌ای که حق دفاع مشروع را برمی‌انگیزد، تفاوت قائل شده است (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۰۳). حمله موشکی رژیم صهیونیستی به خاک ایران که منجر به تلفات جانی و تخریب زیرساخت‌های شهری شده، از لحاظ مقیاس و شدت به وضوح در زمره حمله مسلحانه‌ای است که حق ایران برای دفاع مشروع را فعال می‌کند.

شرط مهم دیگر، رعایت اصول «ضرورت» و «تناسب» است. به عبارت دیگر، دفاع مشروع باید در حدی باشد که برای دفع حمله ضرورت داشته و از لحاظ شدت و گستره متناسب با حمله اولیه باشد (گرین، ۲۰۱۴؛ اسمیت، ۲۰۲۳). این موضوع به‌ویژه در حقوق عرفی و رویه‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس، پاسخ ایران باید برای خنثی‌سازی حملات جاری و پیشگیری از حملات بعدی طراحی شود.

عنصر دیگر که در ماده ۵۱ منشور تصریح شده، «گزارش فوری به شورای امنیت» است. گرچه برخی نویسندگان این الزام را صرفاً شکلی می‌دانند، اما رویه غالب بین‌المللی آن را شرطی جدی برای مشروعیت دفاع مشروع دانسته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده «فعالیت‌های مسلحانه در سرزمین کنگو» یادآور شد که کشور مدافع باید برای مشروعیت اقدامات خود، این الزامات شکلی و محتوایی را رعایت کند (دیوان بین‌المللی دادگستری، ۲۰۰۵).

بر اساس این معیارها، ایران پس از وقوع حمله موشکی رژیم صهیونیستی، این حق مسلم را دارد که برای دفع حملات بیشتر یا پایان دادن به تجاوز، از اقدامات نظامی متناسب علیه اهداف نظامی مشروع رژیم صهیونیستی استفاده کند. همچنین می‌تواند در چارچوب دفاع مشروع جمعی، از حمایت متحدان خود بهره گیرد. این حق البته مشروط به رعایت دقیق اصول تمایز و تناسب در حقوق بشردوستانه است؛ به‌طوری که حتی در دفاع مشروع نیز ایران باید از حمله به غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی اجتناب نماید (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۹۷۷).

به موازات این اقدامات، ایران می‌تواند موضوع را بلافاصله به شورای امنیت گزارش کند تا هم تعهد خود را به منشور نشان دهد و هم امکان اقدام بین‌المللی علیه رژیم صهیونیستی فراهم شود. گزارش‌های منتشرشده در اس‌اس‌آر آن نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها در موارد مشابه با ارسال نامه رسمی به دبیرکل و رئیس شورای امنیت، این شرط را عملی کرده‌اند تا دفاع مشروع آنان مطابق با چارچوب منشور ملل متحد تلقی شود (گرین، ۲۰۱۴).

بر این اساس، می‌توان گفت حمله مستقیم رژیم صهیونیستی به خاک ایران مصداق روشنی از «حمله مسلحانه» است که به ایران اجازه می‌دهد بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، به دفاع مشروع فردی و در صورت درخواست، دفاع جمعی متوسل شود. این حق البته باید با رعایت کامل حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه و در هماهنگی با قواعد عرفی و رویه‌های قضایی بین‌المللی اعمال شود، تا مشروعیت دفاع ایران در چارچوب حقوق بین‌الملل به‌طور کامل محفوظ بماند.

نتیجه‌گیری

بررسی مبانی حقوقی حمله رژیم صهیونیستی به خاک ایران نشان می‌دهد که این اقدام، نقض صریح یکی از اساسی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل یعنی اصل منع توسل به زور محسوب می‌شود. این اصل که به‌عنوان قاعده‌ای آمره جایگاهی فراتر از سایر قواعد حقوقی دارد، نه‌تنها در منشور ملل متحد بلکه در عرف و رویه قضایی بین‌المللی

نیز تثبیت شده است. تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به خاک ایران بدون هیچ گونه مجوز از شورای امنیت و در فقدان هر گونه مبنای معتبر دفاع مشروع، مصداق آشکار نقض تمامیت ارضی و استقلال سیاسی ایران است. همچنین حمله رژیم صهیونیستی، افزون بر جنبه تجاوز ارضی، اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی از جمله اصل تمایز و تناسب را به شکل فاحشی نقض کرده است. هدف قرار دادن مناطق مسکونی، زیرساخت‌های غیرنظامی و نیز ترور فرماندهان و دانشمندان ایرانی در خارج از صحنه نبرد، مصادیق بارزی از تجاوز به حقوق بشر و حتی جنایات جنگی به شمار می‌آید. این نقض‌ها علاوه بر مسئولیت مدنی، می‌تواند مسئولیت کیفری بین‌المللی مقامات رژیم صهیونیستی را نزد دیوان کیفری بین‌المللی مطرح کند.

بر اساس ساختار حقوق بین‌الملل، ایران حق دارد از همه ابزارهای موجود برای مطالبه مسئولیت رژیم صهیونیستی استفاده کند. این ابزارها شامل ارجاع موضوع به شورای امنیت برای بررسی تحت فصل هفتم منشور، درخواست صدور قطعنامه محکومیت از سوی مجمع عمومی و همچنین طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری به منظور احراز مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی و الزام آن به جبران خسارات می‌شود. در صورت احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، امکان تعقیب مقامات رژیم صهیونیستی به اتهام ارتکاب جنایات بین‌المللی نیز وجود خواهد داشت.

از سوی دیگر، بر اساس ماده ۵۱ منشور، ایران در مقام دولتی که هدف حمله مسلحانه قرار گرفته، حق دفاع مشروع فردی و جمعی دارد. البته این دفاع مشروع باید در چارچوب الزامات حقوق بین‌الملل، شامل ضرورت، تناسب، تمایز و گزارش فوری به شورای امنیت، اعمال شود تا مشروعیت بین‌المللی خود را حفظ کند. هر گونه اقدام ایران در پاسخ باید دقیقاً در راستای دفع حمله و جلوگیری از تهدیدات آتی باشد.

در نهایت می‌توان گفت که دفاع ایران در برابر این تجاوز آشکار، نه تنها حقی بر اساس منشور ملل متحد بلکه تکلیفی برای حفاظت از حاکمیت، مردم و امنیت ملی خود است. با این حال بهره‌گیری هوشمندانه از سازوکارهای دیپلماتیک و حقوقی در کنار دفاع مشروع، می‌تواند مشروعیت بین‌المللی اقدامات ایران را بیش از پیش تثبیت کند و رژیم صهیونیستی را در منظر افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی به پاسخگویی وادارد. ایران با پیگیری هم‌زمان مسیرهای حقوقی و سیاسی، می‌تواند نقض فاحش قواعد آمره توسط رژیم صهیونیستی را در محاکم بین‌المللی ثبت و به مسئولیت این دولت متجاوز عینیت ببخشد.

منابع و مآخذ

- انصاری، باقر. (۱۳۸۶)، حقوق ارتباط جمعی، انتشارات سمت.
- دریگی، بابک. (۱۳۷۹)، چالش‌های حقوقی، اخلاقی و اجتماعی فضای رایانه‌ای، خانه کتاب.
- رضایی، مهدی. (۱۳۹۹)، اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا، مطالعات حقوق عمومی.

- مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: (۱۳۸۷)، نشر دادگستر، ص ۷۲.
- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: (۱۳۸۴)، نشر میزان، ص ۵۰۱.
- پاملا آبوت و کلر والاس، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه، نجم عراقی، تهران: (۱۳۸۰)، نشرتی، ص ۲۵۱.
- جان استوارت میل، رساله درباره آزادی، ترجمه، جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۵۰.
- ویلیام داتن، دگرگونی اجتماعی در جامعه اطلاعاتی، ترجمه، محمد توکل کوثری و ابراهیم کاظمی پور، تهران: (۱۳۸۴)، انتشارات کمسیون ملی یونسکو در ایران، ص ۳۱.
- نظری، مریم، سواد اطلاعاتی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۴، ص ۱۰.
- توحیدی، احمد رضا، تأملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی‌های مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: نشر معارف، ۱۳۸۵، ص ۱۵۵.
- معظمی‌گودرزی، حبیب‌الله، حقوق ارتباطی در جامعه اطلاعاتی، بررسی چگونگی تأمین حقوق شهروندی برای دسترسی، توانمندی و کاربری در مورد اطلاعات از دیدگاه کارشناسان و روزنامه‌نگاران ایران، ص ۳۷-۳۸.
- معتد نژاد، کاظم، (گزارش مشارکت در بیست و دومین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو پاریس: ۹ تا ۱۸ نوامبر)، تهران: گروه علوم ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳.
- سیاسگر، ملیحه، رویکردهای نظری به سواد رسانه‌ای، فصل‌نامه پژوهش و سنجش، سال دوازدهم، زمستان (۱۳۸۴)، شماره ۴۴.
- انصاری، باقر، حق دسترسی به اینترنت؛ مبانی و محتوا، مقاله پژوهشی مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۲، زمستان (۱۳۹۹).
- اکرمی، خدیجه، غفاری، هدی، رستمی، ولی، رضایی، مهدی، دسترسی به اینترنت حق مستقل بشری: رویکرد نظام حقوق بین‌الملل و نظام حقوق ایران، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۵۱، بهار ۱۴۰۱.
- یراقی‌اصفهان‌نی، مهشید، بررسی امکان شناخت حق دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بشری، فصلنامه علمی تحقیقات و حقوقی بین‌المللی، مقاله پژوهشی، دوره چهاردهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۴۰۰.
- معتدی، امجد، محدودیت‌های وارد بر حق جریان آزاد اطلاعات در حقوق بین‌الملل بشر با تأکید بر تکنولوژی‌های ارتباطی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱-۶۴.
- نصرالهی، عاطفه، حق دسترسی به اینترنت در حقوق بین‌الملل بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تابستان ۱۳۹۳.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر
- میثاق حقوق بین‌المللی مدنی و سیاسی
- میثاق حقوق بین‌المللی اقتصادی و اجتماعی
- La Rue, Frank. (2011). Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of the right to freedom of opinion and expression. Human Rights Council, A/HRC/17/27.
- UN Human Rights Committee, General comment No.34, 2011 :3-4.
- ECtHR, Jersild v. Denmark, Judgment of 23 September 1994, Application No 15890/89, 31.
- UNESCO, Linguistic Diversity and Multilingualism on Internet (25-27 February 2013), last accessed February 2013.
- Council of Europe, Committee of Ministers, recommendation promoting freedom of expression and information in the new information and communications environment (26 September 2007).
- UNESO, Information and Communication Technology (ICT) in Education in five Arab states, 2013.

References

- Ansari, Baqer. (2007 / 1386 SH) *Mass Communication Law* .Tehran: SAMT.
- Darbeygi, Babak. (2000 / 1379 SH) *Legal, Ethical, and Social Challenges of Cyberspace* .Tehran: Khaneh Ketab.
- Rezaei, Mehdi. (2020 / 1399 SH). "Principles of Drafting Laws and Regulations for the Internet with Emphasis on UNESCO and Council of Europe Documents " *Public Law Studies*.
- Mehrpour, Hossein. (2008 / 1387 SH) *A Concise Study of the Constitution of the Islamic Republic of Iran* . Tehran: Dadgostar Publishing, p. 72.
- Hashemi, Seyed Mohammad. (2005 / 1384 SH) *Human Rights and Fundamental Freedoms* .Tehran: Mizan Publishing, p. 501.
- Abbott, Pamela & Wallace, Claire. (2001 / 1380 SH) *Sociology of Women*)Persian translation by Najm Araqi). Tehran: Ti Publishing, p. 251.
- Mill, John Stuart. (1985 / 1364 SH) *On Liberty* (Persian translation by Javad Sheikh al-Islami). Tehran: Scientific and Cultural Publications Center, p. 50.
- Dutton, William. (2005 / 1384 SH) *Social Transformation in the Information Society*)Persian translation by Mohammad Tavakkol Kowsari & Ebrahim Kazemi-Pour). Tehran: UNESCO National Commission of Iran, p. 31.
- Nazari, Maryam. (2005 / 1384 SH) *Information Literacy* .Tehran: Iranian Scientific Information and Documentation Center, p. 10.
- Towhidi, Ahmad Reza. (2006 / 1385 SH) *A Reflection on the Principles of Rights and Freedoms in the Constitution of the Islamic Republic of Iran* .Qom: Ma'aref Publishing, p. 155.
- Moazzami Goudarzi, Habibollah. (n.d .). *Communication Rights in the Information Society: Ensuring Citizen Rights of Access, Empowerment, and Usage from the Perspective of Iranian Experts and Journalists* ,pp. 37-38.
- Mo'tamad-Nejad, Kazem. (2004 / 1383 SH). "Participation Report at the 22nd UNESCO General Conference, Paris (9-18 November)." Tehran: Department of Social Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University.
- Sepasgar, Maliheh. (2006 / 1384 SH). "Theoretical Approaches to Media Literacy " *Research and Evaluation Quarterly* .(44)12 ,

Ansari, Baqer. (2020 / 1399 SH). "The Right of Access to the Internet: Foundations and Content" *Judicial Law Journal* ,No. 112, Winter.

Akarami, Khadijeh; Ghaffari, Hoda; Rostami, Vali & ;Rezaei, Mehdi. (2022 / 1401 SH). "Internet Access as an Independent Human Right: A Study of International Law and Iranian Law" *Private and Criminal Law Research Quarterly* ,No. 51, Spring.

Yaraqi Esfahani, Mahshid. (2021 / 1400 SH). "Assessing the Recognition of Internet Access as a Human Right" *International Legal Research Quarterly* ,Vol. 14, No. 54, Winter.

Mo'tamadi, Amjad. (2006 / 1385 SH) *Restrictions on the Right to Free Flow of Information in International Human Rights Law with Emphasis on ICT Technologies* .Master's Thesis, Allameh Tabataba'i University, pp. 161-164

Nasrollahi, Atefeh. (2014 / 1393 SH) *The Right of Access to the Internet in International Human Rights Law* .Master's Thesis, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University.

Universal Declaration of Human Rights (UDHR).

International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR).

International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR).

La Rue, Frank .(2011) *Report of the Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression* .Human Rights Council, A/HRC/17/27.

UN Human Rights Committee .(2011) *General Comment No. 34* ,pp. 3-4.

European Court of Human Rights (ECtHR) *Jersild v. Denmark* ,Judgment of 23 September 1994, Application No. 15890/89, para. 31.

UNESCO .(2013) *Linguistic Diversity and Multilingualism on the Internet* 27-25) February 2013), accessed February 2013.

Council of Europe, Committee of Ministers .(2007) *Recommendation on Promoting Freedom of Expression and Information in the New Information and Communications Environment* 26) September 2007.(

UNESCO .(2013) *Information and Communication Technology (ICT) in Education in Five Arab States*.